

نابرابری رفاهی خانوار روستایی-شهری، رهیافت مدل‌های تجزیه

یونس گلی*

احسان صنیعی**

یحیی گلی***

چکیده

این مطالعه، با استفاده از داده‌های بودجه خانوار ایرانیان در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ به بررسی شکاف رفاه بین مناطق شهری و روستایی می‌پردازد. یکی از عوامل مؤثر شکاف رفاه (مصرف)، شکاف درآمد است. برای بررسی شکاف رفاه از دو روش تجزیه اکساکا بلیندر (نابرابری در میانگین) و ماچادو و متا (نابرابری در کل توزیع مصرف) استفاده شده است. نتایج اکساکا بلیندر و ماچادو و متا نشان می‌دهند که نابرابری کل در سال ۹۳ نسبت به سال ۸۴ و همچنین نابرابری کارا کاهش یافته است که این نشان‌دهنده افزایش سطح سرمایه انسانی مناطق روستایی است؛ اما مقایسه اقتصاد متعارف و اسلامی نشان می‌دهد که در اقتصاد اسلامی تبعیض به سود نیروی کار روستایی است؛ در حالی که در اقتصاد متعارف تبعیض به نفع نیروی کار شهری است. همچنین میزان نابرابری کارا در اقتصاد اسلامی کمتر یا برابر با اقتصاد متعارف است. علت عمده وجود نابرابری کارای رفاهی تفاوت در تحصیلات سرپرست خانوار، درآمد و بعد خانوار شهری و روستایی است.

واژه‌های کلیدی: شکاف رفاه، تجزیه ماچادو و متا، رگرسیون چندک و اقتصاد اسلامی

طبقه‌بندی JEL: O18, O53, C15

Email: Younes.goli67@gmail.com

Email: ehsansaniee@yahoo.com

Email: yahyagoli@gmail.com

* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی

** دانشجوی دکتری اقتصاد مالی دانشگاه بوعلی سینا

*** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۲۷ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۱/۱

۱. مقدمه

یکی از شاخص‌های اصلی برای محاسبه رفاه خانوار استفاده از مقدار مصرف سرانه خانوار است. بر اساس تئوری‌های مصرف، یکی از عوامل تعیین‌کننده در میزان مصرف، سطح درآمد است. به همین دلیل نابرابری در سطح درآمد منجر به نابرابری در سطح مصرف و رفاه می‌شود. اندازه و تغییر در شکاف درآمد بین دو گروه مشخص تحت تأثیر عواملی مختلفی قرار دارد که به دو جزء تقسیم می‌شود: جزء اول ناشی از تفاوت سرمایه انسانی (تحصیلات و تجربه) است، به این صورت که افرادی که دارای سرمایه انسانی برتر هستند سطح درآمد بالاتر و میزان مصرف بالاتر را خواهند داشت؛ اما جزء دوم عوامل غیرقابل توضیح هستند که ناشی از تفاوت بازدهی برای سطح مشخص از سرمایه انسانی است که تحت عنوان تبعیض مطرح می‌باشد.

اگر شکاف درآمد و رفاه ناشی از تفاوت سرمایه انسانی^۱ باشد، چنین شکاف رفاهی کارا و بر تخصیص بهینه منابع دلالت دارد؛ زیرا هر یک از عوامل تولید بر اساس مقدار ارزش تولید نهایی خود دستمزد دریافت می‌کند و طبیعی است افرادی که سطح سرمایه انسانی بالاتری دارند، دستمزد بالاتری نیز دریافت می‌کنند و مصرف بالاتری نیز دارند؛ لکن در صورتی که شکاف دستمزد ناشی از تفاوت بازدهی برای مشخصات معین نیروی کار باشد، به دلیل اینکه چنین تفاوت‌هایی باعث می‌شود، بعضی از عوامل تولید بیش از ارزش تولید نهایی خود و عوامل دیگر تولید کمتر از ارزش تولید نهایی خود پاداش بگیرند، منجر به ناکارایی و هدر رفتن نیروی انسانی در اقتصاد می‌شود.

تبعیض دستمزد علیه گروه خاصی از افراد مثلاً روستاییان، در بازار نیروی کار بر روحیه و انگیزه عوامل تولید مؤثر است؛ به طوری که ممکن است افرادی که سطح بهره‌وری بالاتری در اقتصاد دارند، ولی کمتر از ارزش تولید نهایی خود دستمزد می‌گیرند و به اندازه واقعی خود مصرف نمی‌کنند، از بازار کار خارج شوند و یا ممکن است، حداکثر تلاش خود را به کار نگیرند. این شرایط یکی از عوامل اصلی مهاجرت روستاییان از روستا به شهر است. در کشوری مانند ایران، به دلیل نبود رشد صنعتی درون‌زا در شهرها و ناتوانی در جذب نیروی کار مهاجر روستایی در بخش صنعت، در مناطق شهری فقر و بیکاری افزایش می‌یابد؛ در حالی که این شرایط در بخش روستایی باعث رکود فعالیت کشاورزی و دامداری می‌شود و رشد بلندمدت اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل تبعیض دستمزد و متناسب با آن تبعیض رفاه در کشورهای در حال توسعه که اهدافی مانند رشد بلندمدت، افزایش کارایی و رقابت با کشورهای توسعه‌یافته را دارند، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر اقتصاد تحمیل می‌کند.

1. human capital

شناسایی عوامل مؤثر بر شکاف رفاه خانوارهای روستایی و شهری برای سیاست‌گذاری مناسب جهت کاهش نابرابری‌های غیرقابل توضیحی و همچنین جلوگیری از گسترش مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر مهم و دارای ارزش است؛ لذا این مقاله بر آن است، با استفاده از داده‌های بودجه خانوار برای دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ و به کار بردن تئوری‌ها و رویکردهای مربوطه، به بررسی شکاف رفاهی بین مناطق شهری و روستایی و در نتیجه تعیین سهم تبعیض در ایجاد این تفاوت بپردازد.

۲. شکاف رفاه روستایی-شهری

سهم جمعیت روستایی از کل جمعیت کشور در سال‌های اخیر کاهش یافته است؛ به طوری که نسبت جمعیت روستایی از ۳۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۷/۵ درصد در سه ماهه دوم سال ۱۳۹۳ کاهش پیدا کرده است.^۱ سؤال مطرح این است که آیا کاهش جمعیت روستاها ناشی از کاهش رفاه و افزایش تبعیض رفاه می‌باشد. نمودار ۱ مقایسه بین توزیع مصرف سرانه خانوار بین مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۳ با استفاده از داده‌های بودجه خانوار نشان می‌دهد که مصرف سرانه خانوار مناطق شهری صرف نظر از نوع شغل و سطح تحصیلات و تجربه بیش از سطح مصرف سرانه خانوار در مناطق روستایی است. گفتنی است که در سال ۱۳۹۳ این تفاوت نسبت به سال ۱۳۸۴ کاهش محسوسی داشته که این می‌تواند علامتی از کاهش شکاف مصرف سرانه بین شهری و روستایی باشد.



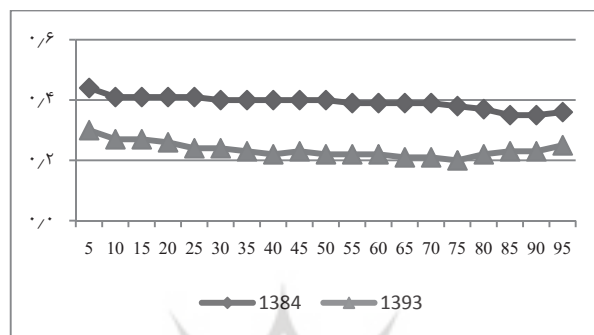
نمودار ۱-ب: توزیع مصرف سرانه خانوار شهری-روستایی در سال ۱۳۹۳

نمودار ۱-الف: توزیع مصرف سرانه خانوار شهری-روستایی در سال ۱۳۸۴

همچنین محاسبه توزیع مصرف سرانه بین مناطق شهری و روستایی در چندک‌های مختلف مصرفی در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که اگرچه تفاوت مصرف سرانه در تمام کوانتیل‌ها

۱. آمار مربوطه از نشریات ادواری سایت مرکز آمار ایران استخراج شده است.

وجود دارد؛ ولی در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۸۴ در چندک مختلف مصرفی شکاف مصرف کاهش پیدا کرده است، این کاهش در چندک‌های میانی مشهودتر است؛ ولی همچنان شکاف مصرف و متناسب با آن شکاف رفاه وجود دارد. احتمالاً یکی از دلایل اصلی این کاهش شکاف، هدفمند کردن یارانه‌ها باشد (نمودار ۲).



نمودار ۲: شکاف رفاه بین روستایی و شهری در چندک‌ها مختلف مصرفی

شکاف مصرف به صورت مصرف سرانه واقعی خانوار شهری منهای مصرف سرانه واقعی خانوار روستایی در چندک‌های مختلف با استفاده از نرم‌افزار stata محاسبه شده است.

۳. پیشینه تحقیق

تفاوت رفاه شهری-روستایی یکی از مشکلات اصلی برای اقتصادهای در حال توسعه به خصوص ایران به‌شمار می‌رود؛ چراکه افزایش شکاف مصرف و به تبع آن شکاف رفاه باعث افزایش مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع مطالعات زیادی در کشورهای مختلف انجام شده است که به بررسی اجمالی آنها پرداخته می‌شود.

دیسیلوا^۱ (۲۰۱۳) مطالعه‌ای در سریلانکا با موضوع نابرابری شهری و روستایی در مخارج را بررسی می‌کند. آنها برای تعیین اثر تفاوت در سرمایه انسانی و بازدهی برای سرمایه انسانی مشخص از روش تجزیه ماچادو و متا و روش اکساکا استفاده می‌کنند. نتایج حاصل از تجزیه اکساکا بلیندر در سریلانکا نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نابرابری مربوط به تفاوت بازدهی برای مشخصات برابر می‌باشد؛ اما نتایج ماچادو و متا نشان می‌دهد که در دهک‌های پایین درآمدی نقش تفاوت در سرمایه انسانی غالب است و در دهک‌های بالای درآمدی نقش تفاوت در بازدهی برای مشخصات برابر سرمایه غالب است.

1. De silva

ماتیتا و چیروا^۱ (۲۰۰۹) به بررسی نابرابری رفاهی بین مناطق روستایی و شهری در کشور مالاوی پرداختند. روش آنها برای تعیین سهم مقادیر قابل توضیحی و مقادیر غیرقابل توضیحی، روش تجزیه اکساکا بلیندر و ماچادو و متا است. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که ۵۹ درصد از تفاوت رفاه بین شهری و روستایی به دارایی فیزیکی و انسانی آنها مربوط است و ۴۱ درصد آن مربوط به تبعیض می‌باشد. اما نتایج تجزیه ماچادو و متا نشان می‌دهد که در چندک بالای درآمدی سهم هر دو بزرگ است؛ ولی در کل توزیع اثر سرمایه انسانی بر تبعیض در تعیین تفاوت‌ها غالب است و این نشان می‌دهد که نیروی کار شهری سطح تحصیلات بالاتری دارد.

اسکیولار و همکاران^۲ (۲۰۰۷) نشان می‌دهند که در چین شکاف درآمدی بین شهر و روستا وجود دارد. نتایج حاصل از تجزیه اکساکا بلیندر نشان می‌دهد که بعد از کنترل متغیرهای سرمایه انسانی موقعیت مکانی افراد، عامل مهم در تعیین تفاوت درآمد است؛ ولی از تحصیلات در میان متغیرهای سرمایه انسانی مهم‌ترین عامل در تفاوت درآمدها می‌باشد.

کونگ^۳ (۲۰۰۷) با روش اکساکا و چندک رگرسیون نشان می‌دهد که ۶۰ درصد تفاوت دستمزد بین ساکنان شهر و مهاجران روستایی توسط تبعیض توضیح داده می‌شود؛ در حالی که روش چندک نشان می‌دهد که در چندک‌های پایین درآمدی تبعیض عامل مهم در توضیح تفاوت دستمزد است و در چندک بالای درآمدی تفاوت در سطح سرمایه انسانی عامل مهم در تفاوت دستمزد است.

اما نینگ و همکاران^۴ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای نابرابری مخارج مصرفی سرانه خانوار بین شهری-روستایی در کشور ویتنام را با استفاده از روش تجزیه رگرسیون چندک مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه هزینه سرانه مصرفی خانوار را به‌عنوان معیاری از رفاه در دو دوره متفاوت ۱۹۹۳ و ۱۹۹۸ استفاده کرده است. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۳ با توزیع یکسان در کل چندک‌ها، درصد زیادی از نابرابری به دلیل تفاوت در عواملی مانند تحصیلات، تجربه و به‌طور کلی سرمایه انسانی است. اما در سال ۱۹۹۸ در چندک‌های پایین درآمدی علت نابرابری، تفاوت در سرمایه انسانی است و درصد بزرگی از نابرابری در چندک‌های بالای درآمدی به دلیل وجود تفاوت در بازدهی برای ویژگی‌های یکسان است و این مصداق تبعیض را تداعی می‌کند.

۴. مبانی نظری تحقیق

تئوری تبعیض سلیقه‌ای بیکر^۵ (۱۹۵۷)

براساس نظریه‌های مصرف‌های مصرفی یکی از عوامل مؤثر بر مصرف، درآمد است. بنابراین تفاوت درآمدهای

1. Matita & Chirwa

2. Secular & et al

3. Quheng

4. Nguyen

5. discrimination taste

بین دو گروه منجر به تفاوت مصرف و شکاف رفاه بین دو گروه می‌شود. بیکر^۱ (۱۹۵۷) از مدل تبعیض سلیقه‌ای کارفرما برای تحلیل شکاف درآمد ناشی از تبعیض که به وسیله کارفرما قابل اجراء است استفاده می‌کند. او در مدل تبعیض خود، بیان می‌کند که بعضی از کارفرمایان دارای عدم مطلوبیت مثبت در به‌کارگیری بعضی از گروه‌ها (مانند نژاد، جنسیت و منطقه) هستند. بنابراین کارفرمایان ترجیح می‌دهند که نسبت کمتری از آنها را استخدام کنند و مقدار عدم مطلوبیتی که کارفرما از استخدام کارگران روستا به دست می‌آورند، وابسته به نسبت کارگران روستایی استخدام شده در بنگاه می‌باشد. کارفرما در چنین شرایطی به‌جای حداکثر کردن سود بنگاه، تابع مطلوبیت شخصی خود را به صورت زیر بیشینه می‌کند:

$$u\left(\pi, \frac{r}{u}\right) = \pi - d\left(\frac{r}{u}\right) = f(u+r) - w_u u - w_r r - d\left(\frac{r}{u}\right) \quad (۱)$$

در معادله بالا، $f(U+R)$ تابع تولید بنگاه U و R تعداد نیروی کار شهری و روستایی استخدام شده در بنگاه است، w_u و w_r دستمزد شهری و روستایی است، d عدم مطلوبیتی را نشان می‌دهد که کارفرما از استخدام روستایی به دست می‌آورد. مقدار d در میان کارفرماهای مختلف متفاوت می‌باشد، برای کارفرمایانی که تبعیض را اجرا می‌کنند d مثبت است و در صورتی که کارفرما تبعیض را اعمال نکند، مقدار d صفر است. برای بیشینه‌سازی تابع مطلوبیت کارفرما، شرایط مرتبه اول به صورت رابطه (۲) است.

$$\begin{aligned} \text{MPL} &= w_R + d\left(\frac{1}{M}\right) \\ \text{MPL} &= w_U - d\left(\frac{F}{M^2}\right) \end{aligned} \quad (۲)$$

MPL تولید نهایی کار می‌باشد.

شرایط مرتبه اول نشان می‌دهد که در تعادل، دستمزد پرداخت شده به شهری بزرگ‌تر از دستمزد پرداخت شده به روستایی است. کارفرماها هزینه استخدام نیروی کار روستایی را به وسیله نسبت روستایی استخدام شده تعدیل می‌کنند، کارفرماهایی که تبعیض کمتری اعمال می‌کنند و یا d کمتری دارند، به نسبت روستایی بیشتری را استخدام می‌کنند. به‌طور کلی کارفرمایانی که تبعیض دستمزد را اعمال می‌کنند نسبت به حالت ماکزیمم کردن سود، تعداد کمتری از روستاییان را استخدام می‌کنند و قسمتی از رانت موجود در بنگاه را در شکل افزایش دستمزد با نیروی کار شهری تقسیم می‌کنند. تفاوت دستمزد بین نیروی کار شهری و روستایی برابر است با تفاوت در بهره‌وری بین آنها و جزئی که رانت دریافت شده به وسیله نیروی کار شهری را نشان می‌دهد.

1. becker

(۳)

$$w_u - w_r = (MPL_U - MPL_r) + \left[\frac{d_j}{U_j} + d_j \left(\frac{R_j}{U_j^2} \right) \right] = (MPL_U - MPL_r) + dis$$

بر طبق معادله بالا زمانی که مشخصات نیروی کار با هم برابر باشد، $MPL_U = MPL_r$ تفاوت درآمد بین دو گروه برابر است با تنها بخشی که به‌عنوان تبعیض (dis) درآمد شناخته می‌شود.

$$w_u - w_r = dis \quad (۴)$$

بنابراین شکاف دستمزد (تبعیض دستمزد) به در دسترس بودن رانت برای پرداخت به گروه مشخصی بستگی دارد، کارفرمایانی که در محیط نسبتاً رقابتی عمل می‌کنند، قدرت کمتری برای اعمال تبعیض دارند.

۵. شکاف رفاه از دیدگاه اقتصاد اسلامی

از نقطه نظر اسلام عدالت پیشران توسعه است. برقراری عدالت از طریق بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر نسبی از طریق کاهش نابرابری‌های فردی و اجتماعی به‌عنوان یکی از اهداف مهم فعالیت‌های اقتصادی و شاخص اساسی برای ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه در جامعه اسلامی محسوب می‌شود. توزیع درآمد به بحث توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید کار، سرمایه و طبیعت برمی‌گردد. در اقتصاد اسلامی، طبق قاعده، کار سرچشمه مالکیت است و هر فرد به واسطه کار از ثروت‌های طبیعی بهره‌مند می‌شود. اقتصاد اسلامی به نیازمندی انسان نیز توجه دارد؛ بنابراین توزیع درآمد را مبتنی بر نقش مشترک دو عامل کار و احتیاج می‌داند. این در حالی است که اسلام به برابری کامل در جامعه رأی نمی‌دهد ولی تأکید فراوانی را بر حذف نابرابری‌ها دارد.

بنابراین نابرابری‌هایی که ناشی از برتری فکری و توان عملی است در اسلام پذیرفته شده هستند و نمی‌توان آنها را به اسم برابری حذف کرد؛ اما در صورتی که نابرابری منجر به عدم تأمین نیازهای اولیه شود، دولت‌ها وظیفه دارند که نیاز آنها را تأمین کنند (کفایی و نصیری، ۱۳۸۷). بنابراین از نظر اقتصاد متعارف هر نوع تفاوت درآمدی که ناشی از تفاوت سرمایه انسانی نباشد، غیر کارا تلقی می‌شود؛ اما از نظر اسلام نابرابری رفاهی زمانی کاراست که دو شرط را تأمین کند: نخست درآمدهای پایین تأمین‌کننده حداقل نیاز افراد باشد؛ دوم، تفاوت درآمد ناشی از تفاوت در سرمایه انسانی باشد. بنابراین همواره تفاوت‌های کارا در دستمزد در اقتصاد اسلامی برابر یا کمتر از تفاوت‌های کارا در اقتصاد متعارف است. برای تعیین نابرابری کارا و غیرکارا از دیدگاه اسلام، میزان حداقل نیاز به صورت ۶۰ درصد میانگین مخارج در نظر گرفته شده است.

۶. روش تحقیق

هدف این مقاله تجزیه رفاه خانوارهای شهری و روستایی با توجه به عوامل مؤثر بر مصرف سرانه خانوار است. عوامل مؤثر قابل اندازه‌گیری برای سرپرست خانوار شامل سن، تحصیلات، وضعیت ازدواج، جنسیت، بعد خانوار و درآمد خانوار هستند. اگر چنانچه شکاف رفاه یا مصرف به دلیل عوامل ذکر شده باشد، در این صورت شکاف رفاه کارا می‌باشد؛ اما اگر شکاف به دلیل عواملی غیر از عوامل بالا باشد، شکاف رفاه غیر کارا است؛ لذا این بررسی بر آن است تا مقدار شکاف ناشی از عوامل قابل توضیحی و غیرقابل توضیحی را از هم تفکیک کند. برای تفکیک شکاف رفاه بین خانوارهای روستایی و شهری از مدل‌های تجزیه اکساکا بلیندر (شکاف در میانگین مصرف سرانه) و مدل تجزیه ماچادو و متا (شکاف در کل توزیع مصرف سرانه خانوار) استفاده شده است. اولین مدل تجزیه توسط بلیندر^۱ (۱۹۷۳) و اکساکا^۲ (۱۹۷۳) ارائه شد. روش اکساکا بلیندر از میانگین مصرف سرانه و حداقل مربعات معمولی برای تجزیه آثار عوامل مورد نظر استفاده می‌کند. ماچادو و متا^۳ (۲۰۰۵) با توسعه روش بلیندر و اکساکا، از توزیع کل مصرف سرانه و رویکرد رگرسیون چندک^۴ برای تجزیه استفاده می‌کنند. مزیت روش ماچادو و متا آن است که تفاوت چگالی مصرف سرانه را به دو جزء اثر متغیرهای توضیح‌دهنده و اثر ضرایب (تبعیض مصرف سرانه) تجزیه می‌کند. این مقاله از هر دو روش اکساکا بلیندر و روش ماچادو و متا استفاده می‌کند. برای تعیین اثر متغیرهای قابل توضیحی بر روی مصرف سرانه ماهیانه واقعی خانوار از مدل رگرسیون رابطه (۵) استفاده شده است.

$$\begin{aligned} \ln \text{realconsumption} = & \alpha + \beta_{\text{age}} \text{age} + \beta_{\text{age}^2} \text{age}^2 \\ & + \beta_{\text{schooling}} \text{schooling} + \beta_{\text{female}} \text{female} + \beta_{\text{marriage}} \text{marriage} \\ & + \beta_{\text{number}} \text{number} + \beta_{\text{wage}} \text{wage} + \beta_{\text{income}} \text{income} + \text{residuals} \end{aligned} \quad (5)$$

در مدل بالا $\ln \text{real consumption}$ لگاریتم مصرف واقعی سرانه خانوار، age سن سرپرست خانوار، age^2 مربع سن سرپرست خانوار، schooling سال‌های تحصیل سرپرست خانوار، female متغیر مجازی زن بودن سرپرست خانوار است؛ به طوری که در صورت زن بودن سرپرست خانوار عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر قرار می‌گیرد. marriage متغیر مجازی برای زندگی با همسر است، در صورتی که سرپرست خانوار با همسر خود در یک خانوار زندگی کند، عدد یک ولی در صورتی که سرپرست خانوار به هر دلیل (طلاق، فوت، هرگز ازدواج نکرده) با همسر خود زندگی نکند، عدد صفر قرار می‌گیرد. Number متغیر بعد خانوار یا تعداد افرادی که

1. Blinder

2. Oaxaca

3. machado mata

4. Quantile regression

در یک خانوار زندگی می‌کنند، را نشان می‌دهد. متغیر دامی wage برابر با عدد یک است، اگر فرد در مشاغل مزد بگیر مشغول باشد و در غیر این صورت عدد صفر قرار می‌گیرد. در نهایت متغیر درآمد ماهیانه واقعی سرپرست خانوار با income نشان داده شده است.

معادله (۶) مدل دو بخشی تجزیه بلیندر و اکساکا (۱۹۷۳) است. این مدل تفاوت رفاه بین دو گروه را به دو بخش تقسیم می‌کند. بخش اول اختلاف مصرف را به تفاوت ویژگی سرپرست خانوار (تحصیلات، سن، وضعیت ازدواج، جنسیت سرپرست خانوار، تعداد اعضای خانوار و غیره) نسبت می‌دهند، بخش دوم اختلاف مصرف را به تبعیض بین روستایی و شهری نسبت می‌دهند. I به‌عنوان گروه روستایی، u را به‌عنوان گروه شهری، R تفاوت مصرف سرانه خانوار شهری و روستایی و X_u و X_r به ترتیب متغیرهای قابل توضیحی را برای خانوارهای روستایی و شهری نشان می‌دهند.

$$\hat{R} = (\bar{x}_u - \bar{x}_r)' \hat{\beta}_u + x_r' (\hat{\beta}_u - \hat{\beta}_r) \quad (۶)$$

در اعمال روش بلیندر اکساکا ضرایب مربوط مصرف شهری استفاده شده است، جزء اول رابطه (۶) تغییرات در مصرف روستاییان زمانی که دارای مشخصات شهری باشند، را نشان می‌دهد؛ در حالی که جزء دوم تغییر در میانگین مصرف روستاییان، زمانی که بر طبق بازدهی نیروی کار شهری جبران شوند را نشان می‌دهند. روش اکساکا بلیندر تنها بر روی تفاوت در میانگین تمرکز می‌کند؛ اما اطلاعاتی را در مورد کل توزیع ارائه نمی‌دهد؛ لذا از روش تجزیه ماچادو و متا (۲۰۰۵) که از رگرسیون چندک استفاده می‌کند و کل توزیع مصرف سرانه را در نظر دارد نیز استفاده می‌شود.

مدل اقتصادسنجی رگرسیون چندک برای چندک θ متغیر وابسته را به‌عنوان تابع خطی از متغیرهای توضیح‌دهنده به صورت زیر تخمین می‌زند:

$$y_i = x_i' \beta_\theta + u_\theta, \quad \text{Quant}_\theta(y_i | x_i) = x_i' \beta_\theta \quad (۷)$$

در معادله (۷)، $\text{Quant}_\theta(y_i | x_i)$ چندک شرطی y_i را به شرط x_i نشان می‌دهد. همان‌طور که از معادله (۷) برمی‌آید $\text{Quant}_\theta(u_\theta | x_i) = 0$ برقرار است. در ساختار رگرسیون چندک، اثر مشخصات قابل اندازه‌گیری (سن، تحصیلات و متغیرهای شغلی و بعد خانوار) بر روی توزیع شرطی مصرف سرانه به وسیله فرایند کمینه کردن قدر مطلق پسماندها تخمین زده می‌شود. برای برآورد ضرایب مدل بالا از حداقل سازی قدر مطلق پسماندها با وزن‌دهی مناسب به صورت زیر استفاده می‌شود:

$$\min \beta_\theta \left\{ \sum \theta |\ln w_i - x_i' \beta_\theta| + \sum (1 - \theta) |\ln w_i - x_i' \beta_\theta| \right\} \quad (۸)$$

بنابراین برای تجزیه نابرابری مصرف سرانه بین شهری و روستایی با استفاده از رگرسیون چندک

خواهیم داشت:

$$Q_{\theta}(w_u | x_u) - Q_{\theta}(w_r | x_r) = \quad (9)$$

$$\left[Q_{\theta}(w_u | x_u) - Q_{\theta}(x_r \hat{\beta}_u) \right] + \left[Q_{\theta}(x_r \hat{\beta}_u) - Q_{\theta}(w_r | x_r) \right]$$

همان‌طور که از معادله (۹) برمی‌آید، جزء اول تفاوت رفاه ناشی از تفاوت مشخصات بین شهری و روستایی را نشان می‌دهد؛ در حالی که جزء دوم تفاوت ناشی از میل نهایی به مصرف برای مشخصات معین را نشان می‌دهد. عمده تفاوت روش‌های تجزیه در مرحله ساختن چندک متقاطع^۱ است. ماچادو و متا توزیع مصرف غیرشرطی متقاطع، با استفاده از روش شبیه‌سازی را در چهار مرحله زیر تخمین می‌زنند:

– یک نمونه تصادفی به اندازه u را از توزیع یکنواخت $U[0,1]$ تولید می‌شود؛ برای روستایی و شهری به‌طور جداگانه u ضریب چندک مختلف به صورت $\hat{\beta}_{u,\theta}$ و $\hat{\beta}_{r,\theta}$ تخمین زده می‌شود؛ یک نمونه تصادفی به حجم u با جایگذاری از مقادیر متغیرهای توضیح‌دهنده X_u و X_r برای شهری و روستایی تولید می‌شود؛ ضرب ترکیب مختلفی از ضرایب چندک و توزیع مشاهدات بین دو گروه شهری و روستایی بعد از تکرار u بار.

۷. داده‌های تحقیق

این مقاله به بررسی نابرابری رفاهی بین بخش شهری و روستایی می‌پردازد. بنابراین از داده‌های بودجه-خانوار استفاده می‌شود. مرکز آمار ایران، سالانه اقدام به آمارگیری از خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها، جهت جمع‌آوری و ارائه اطلاعات یکپارچه و هماهنگ از این ویژگی‌ها می‌کند. بررسی اطلاعات بودجه خانوار در ایران، برای اولین بار در سال ۱۳۱۴ توسط بانک ملی ایران انجام شد. هدف اصلی این بررسی به دست آوردن ضرایب مصرف برای محاسبه شاخص هزینه زندگی^۲ بود. در سال ۱۳۳۸، اداره بررسی‌های اقتصادی بانک ملی ایران به منظور تجدید نظر در ضرایب اهمیت شاخص زندگی، در ۲۳ شهر کشور، با مراجعه به نمونه‌هایی از خانوارها به تهیه آمار مبادرت ورزید. از سال ۱۳۴۷، آمارگیری از هزینه خانوارها در نقاط شهری و در مقیاسی گسترده‌تر، توسط مرکز آمار ایران شروع شد. آمارگیری از سال ۱۳۵۳ علاوه بر آمار هزینه خانوارهای شهری، به تهیه آمار درآمد خانوارهای شهری نیز پرداخت. این آمار به استثنای سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۵۷ و ۱۳۶۰، همه ساله انجام شده است. آمارگیری از هزینه درآمد خانوارهای روستایی، در سال ۱۳۴۲ برای اولین بار توسط اداره کل آمار عمومی سابق انجام شد. سپس با تأسیس مرکز آمار در سال ۱۳۴۴، در مقیاسی وسیع‌تر ادامه یافت.

1. Counterfactual quantile

2. Cost of Living index

گزارش ویژگی اقتصادی و اجتماعی خانوار از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول، نتایج حاصل از خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها را ارائه می‌دهد، در حالی که در بخش دوم هزینه‌ها و درآمدهای خانوار گزارش می‌شود. بخش هزینه‌ها و درآمدهای خانوار خود شامل زیربخش هزینه‌های خوراکی و جانبی خانوار، هزینه‌های غیرخوراکی خانوار و درآمدهای اعضای خانوار است. در بخش اول این گزارش، اطلاعات تکمیلی مربوط به ویژگی‌های جمعیتی خانوار شامل سن، جنس، بستگی با سرپرست خانوار، محل سکونت، وضعیت سواد، مدرک تحصیلی، وضعیت ازدواج و غیره ارائه می‌شود. در بخش درآمدها، اطلاعاتی نیز درباره فعالیت اقتصادی افراد و شغل آنها، متوسط تعداد ساعات کار در روز، متوسط تعداد روزهای کار در هفته و متوسط درآمد ماهیانه و سالانه برای افراد شاغل در مشاغل مزد بگیر و مشاغل آزاد ارائه شده است.

کدهای سه رقمی سطح تحصیلات بر اساس طبقه‌بندی بین‌المللی^۱ ISCED نیز در داده‌های بودجه خانوار موجودند در این مطالعه تعداد سال‌های تحصیل با توجه به سطح تحصیلات و با استفاده از طبقه‌بندی ISCED به دست آمده است.

جدول (۱) شمای کلی از داده‌ها برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ را نشان می‌دهد. ترکیب داده‌های مورد استفاده به این صورت است که ۴۵ درصد آنها از مناطق روستایی گرفته شده‌اند و ۵۵ درصد آنها از مناطق شهری به دست آمده است. با توجه به اینکه تنها از داده‌های سرپرست خانوارها استفاده شده است؛ لذا در بخش روستایی و شهری به ترتیب تنها ۷ و ۳ درصد سرپرست خانوارها زن هستند. همچنین نتایج این جدول نشان می‌دهد که اشتغال در مشاغل مزد بگیر برای خانوارهای شهری ۶۲ درصد و برای خانوارهای روستایی ۴۸ درصد است. سال‌های تحصیل برای خانوارهای شهری ۸/۱۴ سال است؛ در حالی که برای خانوارهای روستایی برابر با ۴/۰۲ سال است و این یکی از عوامل مؤثر بر شکاف مصرف خانوار شهری و روستایی می‌باشد. درآمد خانوار یکی از عوامل مهم و مؤثر بر میزان مصرف سرانه است. داده‌ها نشان می‌دهند که درآمد سرپرست خانوار روستایی از درآمد سرپرست خانوار شهری کمتر است و بنابراین خانوارهای روستایی نسبت به خانوارهای شهری مصرف کمتری خواهند داشت.

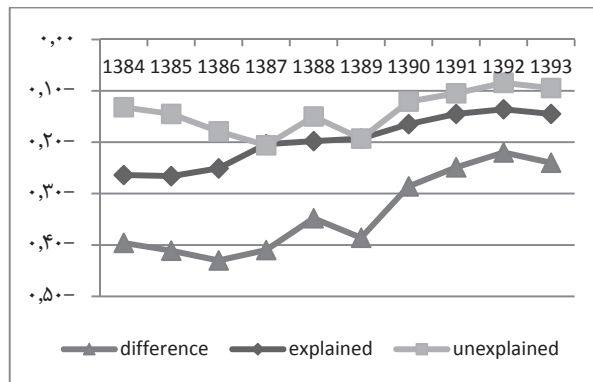
1. International standard classification education

جدول ۱: توصیف داده‌های به تفکیک روستایی و شهری

| شهری | | روستایی | | متغیر |
|--------------|---------|--------------|---------|---------------------------------|
| انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | میانگین | |
| ۰/۶۲ | ۱۳/۴۶ | ۰/۷۱ | ۱۳/۰۴ | لگاریتم مصرف واقعی سرانه خانوار |
| ۱۲/۱۴ | ۴۴/۰۲ | ۱۳/۸۱ | ۴۶/۲۵ | سن سرپرست خانوار |
| ۰/۱۸ | ۰/۰۳ | ۰/۱۴ | ۰/۰۷ | زن بودن سرپرست خانوار |
| ۰/۴۲ | ۰/۶۲ | ۰/۴۱ | ۰/۴۸ | اشتغال در مشاغل مزد بگیر |
| ۰/۱۳ | ۰/۹۶ | ۰/۱۰ | ۰/۹۷ | متغیر دامی وضعیت ازدواج |
| ۴/۸۳ | ۸/۱۴ | ۳/۸۶ | ۴/۰۲ | سال‌های تحصیل |
| ۱/۴۱ | ۴/۰۱ | ۲/۰۳ | ۴/۷۱ | بعد خانوار |
| ۰/۸۵ | ۱۴/۱۶ | ۰/۹۹ | ۱۳/۸۱ | درآمد سرپرست خانوار |
| | ۱۱۴۶۰۸ | | ۹۲۱۱۳ | تعداد مشاهده‌ها |

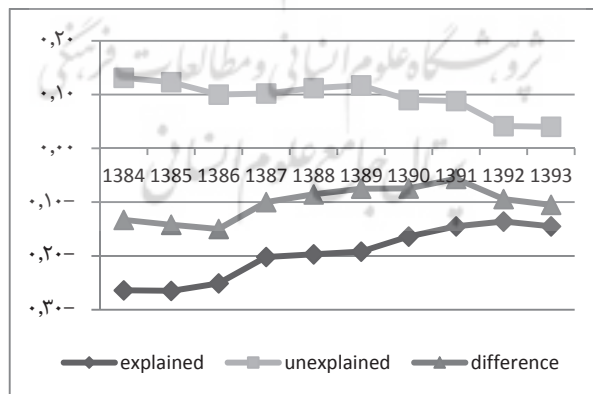
۸. برآورد مدل و تحلیل نتایج

نتایج حاصل از تجزیه اکساکا بلیندر در جدول ۲ پیوست و نمودار ۳ گزارش شده است که نشان می‌دهد شکاف مصرف سرانه خانوارهای شهری-روستایی و همچنین قسمت قابل توضیح شکاف مصرف به‌طور معناداری کاهش پیدا کرده است. سهم نسبتاً زیادی از تفاوت مصرف سرانه واقعی خانوار روستایی و شهری ناشی از وجود تفاوت عوامل قابل توضیح می‌باشد. با مقایسه نتایج می‌توان به این نتیجه دست یافت که در طول دوره مطالعه سهم تبعیض از تفاوت مصرف خانوار روستایی و شهری دچار نوساناتی شده است؛ به طوری که در سال ۱۳۸۴ سهم تبعیض از تفاوت رفاه ۳۳ درصد ولی در سال ۱۳۹۳ این سهم به ۳۹ درصد افزایش یافته است. از آنجا که خانوارهایی که سطح درآمد بالاتری را به دست می‌آورند، نیاز به امکانات رفاهی بیشتری دارند که در روستاها وجود ندارند، بنابراین با مهاجرت خانوارهای به‌طور نسبی ثروتمند و باقی ماندن خانوارهای فقیر در روستا که دارای سطح سرمایه انسانی پایین‌تر هستند، شکاف غیرقابل توضیحی افزایش می‌یابد؛ اما به‌طور کلی هدفمند کردن یارانه به‌عنوان سیاست اجرا شده تا حدی توانسته است، که در سال‌های اولیه اجرا، اثر کاهشی در کل شکاف مصرف داشته باشد؛ اما در سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳ نابرابری افزایش یافته است.



نمودار ۳: تجزیه مصرف سرانه خانوار اکاساکا بلیندر در اقتصاد متعارف

نمودار ۴ نابرابری را از دیدگاه اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد. به دلیل اینکه در اقتصاد اسلامی تأکید بر نیاز و کار وجود دارد؛ لذا نابرابری کل کاهش یافته است. از آنجا که دولت بدون در نظر داشتن سرمایه انسانی، کمکی را در جهت برآورد شدن حداقل نیاز افراد به آنها پرداخت می‌کند و این به سود نیروی کار مورد تبعیض قرار گرفته است، بنابراین قسمت غیرقابل توضیحی (تبعیض) مثبت است. اما قسمت قابل توضیحی یا به عبارتی قسمت تفاوت کارا در اقتصاد اسلامی به طور ناچیزی در بعضی سال‌ها کاهش یافته است؛ یعنی اینکه از نظر اسلام نابرابری تا حد ممکن باید کاهش یابد و نابرابری زمانی کاراست که حداقل نیاز افراد تأمین شود.



نمودار ۴: تجزیه مصرف سرانه خانوار اکاساکا بلیندر در اقتصاد اسلامی

به دلیل اینکه تحلیل تفاوت مصرف سرانه واقعی خانوار بر اساس میانگین، اطلاعات مفیدی ارائه نمی‌کند؛ بنابراین مدل تجزیه ماچادو و متا که از کل اطلاعات توزیع مصرف سرانه جهت تحلیل تفاوت مصرف استفاده می‌کند به کار گرفته شده است. مدل تجزیه ماچادو و متا با استفاده از رگرسیون چندک به تحلیل تفاوت مصرف در چندک‌های مختلف مصرفی می‌پردازد. نتایج حاصل از تجزیه ماچادو و متا در نمودار ۵ و جدول ۵ پیوست ارائه شده است. نمودار ۵ نشان می‌دهد که شکاف رفاه ناشی از خصوصیات خانوارها از قبیل ویژگی‌های سرمایه انسانی در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۸۴ به طور معناداری کاهش یافته است. در واقع افزایش سطح سرمایه انسانی در خانوارهای روستایی باعث چنین کاهشی شده است.

نسبت تبعیض به کل شکاف رفاه در سال ۱۳۹۳ در چندک‌های پایین مصرفی بزرگ‌تر از نسبت تبعیض به کل شکاف رفاه در سال ۱۳۸۴ است؛ اما این حالت در چندک‌های بالای مصرفی برعکس است. در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۳ هرچه به سمت چندک‌های بالای مصرفی حرکت می‌کنیم، شکاف مصرف سرانه کمتر شده است. در واقع در کوانتیل‌های بالای مصرفی مشکل نابرابری مصرف به صورت کلی وجود ندارد؛ اما سهم تبعیض در چندک بالای مصرفی در سال ۱۳۸۴ بالاتر از سهم تبعیض در چندک پایین و بالای مصرفی است، ولی در سال ۱۳۹۳ سهم تبعیض در چندک‌های میانی ۱۵ تا ۶۰ بیشتر از سایر چندک‌هاست. کاهش در نابرابری کل مصرف سرانه در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۸۴ بیشتر تحت تأثیر کاهش در نابرابری ناشی از قسمت قابل توضیحی است و قسمت غیرقابل توضیحی از لحاظ عددی دچار تغییر زیادی نشده است.

بررسی نابرابری در چندک‌های مختلف هزینه‌ای از نظر اقتصاد اسلامی در نمودارهای ۶ نشان‌دهنده این است که در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۸۴ نابرابری در دهک‌های پایین درآمدی به سود نیروی کار روستایی است. تغییرات قسمت قابل توضیحی در اقتصاد اسلامی دارای روندی یکسان همانند اقتصاد متعارف است. نمودار ۶ نیز نشان می‌دهد که میزان نابرابری ناشی از تبعیض در اقتصاد اسلامی نسبت به اقتصاد متعارف پایین‌تر است؛ بنابراین ارائه کمک به خانوارهای نیازمند در جهت کسب حداقل‌ها صرف نظر از میزان سرمایه انسانی باعث تبعیض در چندک پایین مصرف به سود خانوارهای روستایی می‌شود.

نتایج جدول ۳ پیوست نشان می‌دهد که نابرابری مصرف سرانه در اقتصاد متعارف در کوانتیل‌های بالای مصرفی نسبت به کوانتیل‌های پایین مصرفی کمتر است. لذا افزایش نابرابری رفاه در کوانتیل‌های پایین انگیزه‌ای برای خانوارهای روستایی ایجاد می‌کند که به سمت شهرها مهاجرت کنند. مهاجرت نیروی کار باعث رشد شهرنشینی می‌شود و چون صنعت کشور توانایی جذب همه نیروی کار مهاجر را ندارد؛ لذا افزایش مهاجرت خانوارها باعث افزایش فقر می‌شود.

اما از نظر اقتصاد اسلامی گروه‌های در سطح پایین رفاهی به وسیله دولت جبران می‌شوند و بنابراین هیچ انگیزه‌ای برای مهاجرت به دلیل تبعیض وجود ندارد.

نتایج حاصل از تخمین رگرسیون چندک در جدول ۴ و ۵ پیوست نشان می‌دهد که متغیر سن سرپرست خانوار در بخش روستایی اثر مثبتی بر مصرف سرانه خانوار دارد؛ به طوری که هرچه سن سرپرست خانوار افزایش یابد، مقدار مصرف سرانه واقعی خانوار افزایش می‌یابد. اما متغیر سن سرپرست خانوار شهری تأثیر کمتر مثبتی بر مصرف سرانه خانوار دارد. بعد خانوار در تمام چندک‌ها و در مناطق روستایی و شهری منفی است؛ بنابراین هرچه بعد خانوار افزایش یابد میزان مخارج سرانه و یا به عبارتی رفاه کاهش می‌یابد، این کاهش رفاه در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است و این به دلیل هزینه بالای فرزندان در مناطق شهری است. زن بودن سرپرست خانوارها در دهک‌های بالای روستایی و در تمام دهک‌های شهری باعث افزایش مخارج و رفاه خانوار می‌شود. خانوارهای فقیر در بخش روستایی در فعالیتهای کشاورزی که نیازمند سطح توانایی فیزیکی بالا می‌باشند، شاغل هستند که زنان توانایی انجام آنها را ندارند؛ بنابراین سرپرست شدن زنان منجر به کاهش درآمد آنها و متناسب با آن کاهش مصرف خانوار می‌شود. اما زنان سرپرست خانوارهای شهری و خانوارهای چندک بالای مصرفی در روستاها بیشتر در فعالیتهای مزد بگیر دولتی مشغول هستند، بنابراین سرپرست شدن آنها نه تنها منجر به کاهش مصرف آنها نمی‌شود، بلکه به افزایش مصرف خانوارها منجر می‌شود. اشتغال در مشاغل دولتی در روستا و شهر منجر به کاهش رفاه می‌شود و هرچه به سمت چندک‌های بالای مصرفی حرکت می‌کنیم، این اثر منفی افزایش می‌یابد. آثار درآمد نیز دارای اثر مثبت بر مصرف سرانه خانوار می‌باشد، نکته مهم در این بررسی آن است که هرچه به سمت چندک‌های بالای مصرفی حرکت می‌کنیم، اثر نهایی درآمد بر مصرف کاهش می‌یابد و این نشان می‌دهد که هرچه به سمت چندک‌های بالای مصرفی حرکت می‌کنیم نیازهای مصرفی ارضا نشده کاهش می‌یابد و افزایش درآمد نسبت به چندک‌های پایین درآمدی اثر کمتری بر افزایش مصرف خواهد داشت. افزایش سال‌های تحصیل به واسطه افزایش درآمد موجب افزایش مصرف می‌شود و خانوارها را از فقر رهایی می‌دهد. با همسر زندگی کردن سرپرست خانوارها در شهر و روستا منجر به کاهش مصرف خانوارها می‌شود. البته لازم به ذکر است که اثر این متغیر در شهرها نسبت به خانوارهای روستایی بیشتر است و این به دلیل افزایش هزینه‌های شهری نسبت به روستایی است.

۹. نتیجه‌گیری

این مقاله با استفاده از داده‌های بودجه خانوار مرکز آمار ایران در دوره زمانی بین ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ به بررسی شکاف رفاهی (مصرف سرانه) خانوارهای شهری-روستایی پرداخته است. داده‌های بودجه

خانوار نشان می‌دهند که شکاف مصرف سرانه بین خانوارهای شهری و روستایی وجود دارد. همچنین در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۸۴ شکاف رفاه کاهش پیدا کرده است. در واقع یکی از سیاست‌هایی که می‌تواند در کاهش شکاف رفاه مؤثر باشد، هدفمندسازی یارانه‌ها در قالب ارائه به خانوارهای نیازمند است.

برای تحلیل شکاف رفاه در اقتصاد متعارف و اسلامی از مدل‌های تجزیه ماچادو و متا و اکساکا بلیندر استفاده شده است. مدل‌های تجزیه قادرند تا شکاف رفاه را به دو بخش قابل توضیحی (مشخصات از قبیل سن، تحصیلات و درآمد) و غیرقابل توضیحی (تسهیلاتی که برای منطقه یا بعضی از افراد قابل ارائه است) تجزیه کرده و سهم هر کدام از عوامل را مشخص کنند. نتایج حاصل از تجزیه اکساکا بلیندر (تفاوت رفاه بین میانگین مصرف سرانه واقعی) و تجزیه ماچادو و متا (تفاوت رفاه در چندک‌های مختلف مصرفی) نشان می‌دهند که کل شکاف رفاهی و همچنین شکاف ناشی از عوامل قابل توضیحی در طول سال‌ها به‌طور میانگین کاهش یافته است و این نشان می‌دهد که رفاه شهری-روستایی به سمت همدیگر همگرا می‌شوند. اما نتیجه تجزیه ماچادو و متا نشان می‌دهد که نابرابری رفاهی ناشی از تبعیض در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۳ سهم کوچک‌تری از کل نابرابری را تشکیل داده است و سهم آن در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۸۴ در چندک‌های بالای مصرفی، بالاتر است. در واقع هرچه به سمت چندک بالای مصرفی حرکت کنیم، در سال ۱۳۹۳ تبعیض در حال کاهش و در سال ۱۳۸۴ تبعیض در حال افزایش است؛ اما هرچه به سمت چندک بالای مصرفی حرکت کنیم، نابرابری ناشی از مشخصات خانوار در سال ۱۳۸۴ رو به کاهش می‌گذارد؛ اما در سال ۱۳۹۳ در چندک میانی کمتر از سایر چندک‌هاست.

مقایسه اقتصاد اسلامی و متعارف نشان می‌دهد که برآورد اقتصاد اسلامی از نابرابری درآمد بسیار کمتر از نابرابری در اقتصاد متعارف است. این ناشی از کمک برای جبران خانوارهای فقیر در جهت کسب حداقل نیازهاست. بنابراین نابرابری در چندک‌های پایین مصرفی به سود خانوارهای فقیر وجود دارد. نتایج تخمین رگرسیون چندک نشان می‌دهد که تفاوت کارایی نابرابری رفاه بین مناطق روستایی و شهری به دلیل تفاوت درآمد خانوارها، بعد خانوار و تحصیلات سرپرست خانوار در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی است.

بنابراین یکی از وظایف اصلی دولت‌ها فراهم کردن شرایط برای بازار رقابت کامل در اقتصاد است؛ به طوری که بنگاه‌ها توانایی اعمال تبعیض را نداشته باشند، در واقع هرچه اقتصاد به صورت انحصاری عمل کند، احتمال به وجود آمدن تبعیض نیز افزایش می‌یابد. توجه به رویکرد اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد که این نظام اقتصادی حساسیت بالایی را به نابرابری رفاهی می‌دهد و میزان نابرابری در اقتصاد اسلامی بسیار کمتر از اقتصاد متعارف است.

منابع

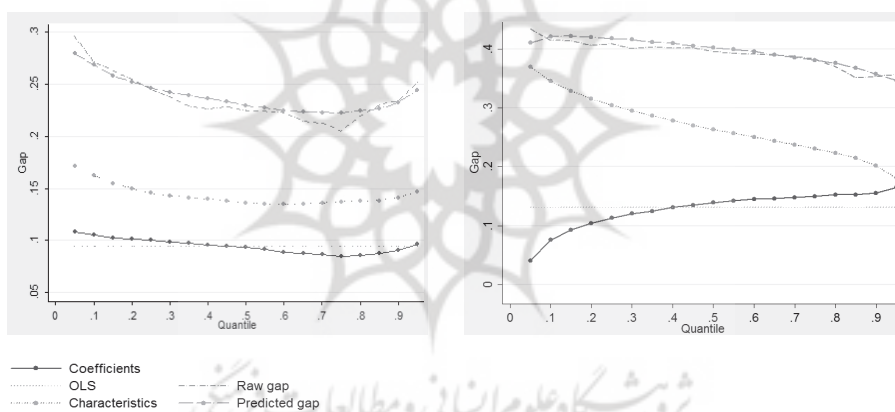
۱. مرکز آمار ایران، بودجه خانوار، ۱۳۸۴-۱۳۹۰.
۲. کفای، محمدعلی و حسین نصیری (۱۳۸۷)، «اصول حاکم بر شاخص‌های نابرابری درآمدی و بررسی آنها از نظر اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳۲، ص ۹۳-۱۲۲.
۳. بختیاری، صادق و حسین میسمی (۱۳۹۰)، «سرمایه انسانی، فقر و نابرابری‌های درآمدی در اسلام و کشورهای اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۴۱، ص ۵-۳۸.
4. Becker, G. (1957), *The Economics of Discrimination*, Chicago: University of Chicago press, ISBN 9780226041155.
5. Blinder, A.S., (1973), "Wage Discrimination: Reduced Form and Structural Estimates", *Journal of Human Resources*, Vol. 8, pp. 436-455.
6. Chen, Z, Ge, Y, Lai, H, Wan, C., (2012), "Globalization and Gender Wage Inequality in China", *World Development*, Vol. 44, pp. 256-266.
7. De silva, I. (2013), "Endowments Versus Returns: Counterfactual Quantile Decomposition Of Urban-Rural Inequality In Sri Lanka", *Review of Urban & Regional Development Studies*, pp. 47-60.
8. Fortin, N, Lemieux and Firpo. S.(2010), "Decomposition Methods in Economics", *NBER Working Paper*, No. 16045.
9. Heinze, A., (2010), *Beyond the Mean Gender Wage Gap: Decomposition of Differences in Wage Distributions Using Quantile Regression*, centre for european economics research (ZEW).
10. Jann, B., (2008), "The Blinder-Oaxaca Decomposition for Linear Regression Models", *The Stata Journal*, 8(4), pp. 453-479.
11. Koenker, B. and Bassett ,G. (1978), "regression Quantile", *Econometrica*, Vol 46, No. 1, pp. 33-50.
12. Lovász, A., (2008), *Competition and the Gender Wage Gap: New Evidence from Linked Employer-Employee Data in Hungary, 1986-2003*.
13. Machado, J and Mata, J, (2005), "counterfactual decomposition of changes in wage distribution using quantile regression", *Journal of Applied Econometrics*, pp. 445-465.

14. Matita, M and chirwa, E (2009), "Rural-Urban Welfare Inequalities in Malawi: Evidence from a Decomposition Analysis", *Working paper*, No 2009/05.
15. Menon. N, and Rodgers. Y,(2009), "International Trade and the Gender Wage Gap: New Evidence from India's Manufacturing Sector", *World Development*, Vol. 37, pp. 965-981.
16. Nguyen. Binh T, Albrecht. J, Vroman. S and Westbrook D., (2007), "A quantile regression decomposition of urban-rural inequality in Vietnam", *journal of Development Economics*, Vol. 83, pp. 466-490.
17. Oaxaca, R., (1973), "Male-Female Wage Differentials in Urban Labor Markets", *International Economic Review*, Vol 14, pp. 693-709.
18. Oostendorp, R. H., (2004), "Globalization and the Gender Wage Gap", *World Bank Policy Research Working*, Vol.23, pp. 141-161.
19. Quheng, D (2007), "Earnings Differential between Urban Residents and Rural Migrants: Evidence from Oaxaca-Blinder and Quantile Regression Decompositions", *Chinese Journal of Population Science*, No. 2.
20. Secular.T, Ximing.Y, Gustafsson,B and Shi,L (2007), "The Urban-Rural Income Gap and Inequality in China", *The Review of income and Wealth*, Vol. 53, pp. 93-126.
21. Thu Le,H and Booth, A. (2013), "Inequality in Vietnamese Urban-Rural Living Standards, 1993-2006", *Review of Income and Wealth*, No. 4987.
22. Zaki, C., (2010), *On Trade Policies and Wage Disparity in Egypt: Evidence From Microeconomic Data*, Economic Research Forum for the Arab Countries, Iran and Turkey (ERF).

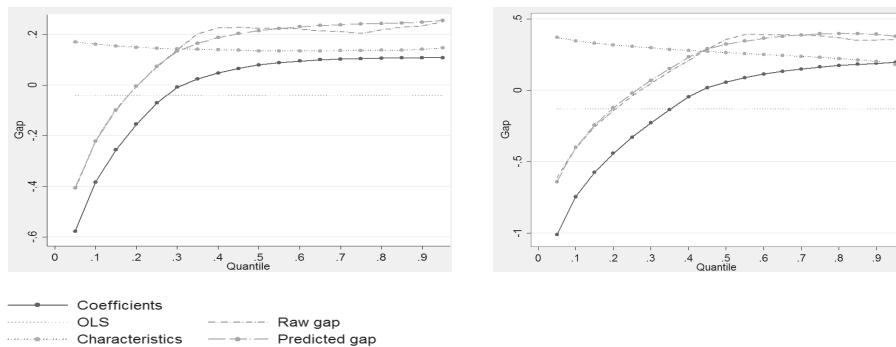
پیوست

جدول ۲: تجزیه مصرف سرانه خانوار اکساکا بلیندر

| Variables | 1384 | 1385 | 1386 | 1387 | 1388 | 1389 | 1390 | 1391 | 1392 | 1393 |
|-------------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|
| rural | 13.12*** | 13.08*** | 13.08*** | 12.98*** | 12.89*** | 12.76*** | 12.66*** | 12.25*** | 12.55*** | 11.95*** |
| | (2,141) | (2,331) | (2,299) | (977.8) | (1,034) | (1,304) | (1,466) | (1,468) | -3,143 | -2,955 |
| urban | 13.52*** | 13.49*** | 13.51*** | 13.39*** | 13.24*** | 13.14*** | 12.95*** | 12.50*** | 12.77*** | 12.18*** |
| | (2,107) | (2,135) | (2,174) | (1,629) | (2,391) | (2,350) | (2,575) | (2,437) | -2,910 | -2,725 |
| difference | -0.396*** | -0.411*** | -0.430*** | -0.410*** | -0.348*** | -0.386*** | -0.286*** | -0.249*** | -0.220*** | -0.240*** |
| | (-44.60) | (-48.65) | (-51.03) | (-26.27) | (-15.72) | (-34.22) | (-28.63) | (-25.45) | (-37.12) | (-39.78) |
| explained | -0.264*** | -0.266*** | -0.251*** | -0.204*** | -0.198*** | -0.193*** | -0.165*** | -0.145*** | -0.136*** | -0.145*** |
| | (-34.58) | (-36.49) | (-35.03) | (-19.33) | (-19.20) | (-21.89) | (-20.86) | (-18.50) | (-29.41) | (-30.79) |
| unexplained | -0.132*** | -0.145*** | -0.179*** | -0.206*** | -0.15 | -0.193*** | -0.121*** | -0.105*** | -0.084*** | -0.094*** |
| | (-15.61) | (-17.64) | (-22.38) | (-14.08) | (-1.149) | (-17.44) | (-12.51) | (-10.64) | (-13.67) | (-15.05) |
| explained | 0.67 | 0.65 | 0.58 | 0.50 | 0.57 | 0.50 | 0.58 | 0.58 | 0.62 | 0.60 |
| unexplained | 0.33 | 0.35 | 0.42 | 0.50 | 0.43 | 0.50 | 0.42 | 0.42 | 0.38 | 0.39 |



نمودار ۵- الف: توزیع مصرف سرانه شهری- روستایی در چندک‌ها مختلف مصرف در اقتصاد متعارف و سال ۱۳۸۴
 نمودار ۵- ب: توزیع مصرف سرانه شهری- روستایی در چندک‌ها مختلف مصرف در اقتصاد متعارف و سال ۱۳۹۳



نمودار ۶- الف: توزیع مصرف سرانه شهری-روستایی در چندک‌ها مختلف مصرف در اقتصاد اسلامی و سال ۱۳۸۴
 نمودار ۶- ب: توزیع مصرف سرانه شهری-روستایی در چندک‌ها مختلف مصرف در اقتصاد اسلامی و سال ۱۳۹۳

جدول ۳- الف: توزیع مصرف شهری و روستایی در چندک‌های مختلف مصرفی و سال ۱۳۸۴

| 95 | 90 | 85 | 80 | 75 | 70 | 65 | 60 | 55 | 50 | 45 | 40 | 35 | 30 | 25 | 20 | 15 | 10 | 5 | centile |
|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|-------------|
| 0.35 | 0.35 | 0.35 | 0.37 | 0.38 | 0.38 | 0.38 | 0.39 | 0.39 | 0.39 | 0.40 | 0.40 | 0.40 | 0.40 | 0.40 | 0.40 | 0.41 | 0.41 | 0.43 | Raw gap |
| 0.34 | 0.35 | 0.36 | 0.37 | 0.38 | 0.38 | 0.39 | 0.39 | 0.39 | 0.40 | 0.40 | 0.41 | 0.41 | 0.41 | 0.41 | 0.42 | 0.42 | 0.42 | 0.41 | predl |
| 0.02 | 0.02 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.02 | 0.01 | 0.02 | se-predl |
| 0.18 | 0.20 | 0.21 | 0.22 | 0.23 | 0.23 | 0.24 | 0.25 | 0.25 | 0.26 | 0.27 | 0.27 | 0.28 | 0.29 | 0.30 | 0.31 | 0.32 | 0.34 | 0.36 | chars |
| 0.03 | 0.02 | 0.02 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.02 | 0.03 | se-predl |
| 0.16 | 0.15 | 0.15 | 0.15 | 0.15 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.13 | 0.13 | 0.13 | 0.12 | 0.12 | 0.11 | 0.10 | 0.09 | 0.07 | 0.04 | Coefficient |
| 0.03 | 0.02 | 0.02 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.02 | 0.02 | 0.02 | 0.03 | se-coef |

جدول ۳- ب: توزیع مصرف سرانه واقعی خانوار شهری-روستایی در چندک‌های مختلف مصرفی و سال ۱۳۹۳

| 95 | 90 | 85 | 80 | 75 | 70 | 65 | 60 | 55 | 50 | 45 | 40 | 35 | 30 | 25 | 20 | 15 | 10 | 5 | centile |
|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|-------------|
| 0.25 | 0.23 | 0.23 | 0.22 | 0.20 | 0.21 | 0.21 | 0.22 | 0.22 | 0.22 | 0.23 | 0.23 | 0.23 | 0.24 | 0.24 | 0.25 | 0.26 | 0.27 | 0.30 | Raw gap |
| 0.24 | 0.23 | 0.23 | 0.22 | 0.22 | 0.22 | 0.22 | 0.22 | 0.23 | 0.23 | 0.23 | 0.24 | 0.24 | 0.24 | 0.25 | 0.25 | 0.26 | 0.27 | 0.28 | predl |
| 0.02 | 0.02 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.02 | 0.02 | se-predl |
| 0.15 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.14 | 0.15 | 0.15 | 0.16 | 0.16 | 0.17 | chars |
| 0.02 | 0.02 | 0.02 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.02 | 0.02 | 0.02 | se-predl |
| 0.10 | 0.09 | 0.09 | 0.09 | 0.09 | 0.09 | 0.09 | 0.09 | 0.09 | 0.09 | 0.09 | 0.10 | 0.10 | 0.10 | 0.10 | 0.10 | 0.11 | 0.11 | 0.11 | Coefficient |
| 0.02 | 0.02 | 0.02 | 0.02 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.01 | 0.02 | 0.02 | 0.02 | se-coef |

centile چندک، Raw gap شکاف مصرف سرانه، pred شکاف مصرف سرانه پیش‌بینی شده، se-pred انحراف معیار شکاف مصرف پیش‌بینی شده، chars شکاف مصرف ناشی از مشخصات خانوار، se-chars انحراف معیار شکاف مصرف سرانه ناشی از مشخصات خانوار، coefficient شکاف مصرف غیرقابل توضیحی (تبعیض)، se-coeff انحراف معیار شکاف ناشی از تبعیض، explained قسمت توضیح داده شده تفاوت مصرف سرانه، unexplained قسمت غیرقابل توضیحی شکاف مصرف سرانه.

جدول ۴: برآورد مدل بخش روستایی

| OLS | 0.95th | 0.9th | 0.75th | .5th | .25th | .10th | .05th | VARIABLES |
|-------------------------|-------------------------|-------------------------|-------------------------|-------------------------|-------------------------|-------------------------|-------------------------|-----------|
| 0.0279*** (25.40) | 0.0284*** (9.572) | 0.0291*** (12.75) | 0.0275*** (19.02) | 0.0266*** (20.94) | 0.0257*** (17.20) | 0.0266*** (15.81) | 0.0258*** (11.31) | age |
| -0.125*** (-96.41) | -0.132*** (-26.67) | -0.133*** (-37.91) | -0.132*** (-67.91) | -0.125*** (-83.02) | -0.121*** (-76.47) | -0.116*** (-70.73) | -0.111*** (-50.57) | number |
| -0.0157 (-1.436) | 0.0725*** (2.625) | 0.0693*** (3.175) | 0.0481*** (3.383) | -0.0184 (-1.448) | -0.0679*** (-4.594) | -0.110*** (-6.791) | -0.114*** (-5.097) | female |
| -0.165*** (-32.02) | -0.175*** (-13.75) | -0.166*** (-16.53) | -0.167*** (-25.35) | -0.159*** (-26.67) | -0.169*** (-24.01) | -0.149*** (-18.82) | -0.137*** (-12.50) | wage |
| 0.242*** (102.5) | 0.178*** (24.24) | 0.194*** (35.03) | 0.226*** (67.44) | 0.252*** (92.39) | 0.281*** (93.41) | 0.298*** (89.43) | 0.310*** (65.44) | income |
| -0.00020*** (-19.55) | -0.00018*** (-6.506) | -0.00019*** (-9.166) | -0.00019*** (-14.16) | -0.00019*** (-15.87) | -0.00019*** (-13.53) | -0.00020*** (-12.80) | -0.00020*** (-9.302) | age2 |
| 0.0226*** (30.18) | 0.0255*** (13.06) | 0.0240*** (15.76) | 0.0242*** (24.61) | 0.0223*** (25.73) | 0.0199*** (19.69) | 0.0203*** (18.03) | 0.0196*** (12.44) | schooling |
| -0.213*** (-9.713) | -0.168*** (-3.071) | -0.229*** (-5.330) | -0.223*** (-7.883) | -0.202*** (-7.951) | -0.200*** (-6.740) | -0.153*** (-4.653) | -0.123*** (-2.716) | marriage |
| 9.583*** (218.7) | 11.32*** (88.88) | 10.94*** (112.2) | 10.19*** (169.4) | 9.436*** (185.9) | 8.718*** (153.0) | 8.066*** (129.9) | 7.674*** (90.15) | Constant |

جدول ۵: برآورد مدل بخش شهری

| OLS | 0.95th | 0.9th | 0.75th | .5th | .25th | .10th | .05th | VARIABLES |
|------------------------|------------------------|------------------------|------------------------|------------------------|------------------------|------------------------|------------------------|-----------|
| 0.00174* (1.753) | 0.00687*** (2.728) | 0.00248 (1.267) | 0.00269** (2.039) | 0.00187* (1.659) | 0.00308** (2.486) | 0.00689*** (4.354) | 0.0109*** (5.406) | age |
| -0.159*** (-122.6) | -0.154*** (-32.07) | -0.156*** (-45.61) | -0.157*** (-78.47) | -0.162*** (-110.0) | -0.167*** (-117.0) | -0.171*** (-102.1) | -0.172*** (-84.14) | number |
| 0.255*** (18.49) | 0.312*** (8.981) | 0.308*** (11.20) | 0.302*** (16.26) | 0.276*** (17.74) | 0.233*** (13.90) | 0.203*** (9.730) | 0.178*** (6.830) | female |
| -0.140*** (-37.19) | -0.167*** (-17.64) | -0.154*** (-20.37) | -0.151*** (-29.59) | -0.135*** (-31.68) | -0.109*** (-23.78) | -0.0910*** (-16.02) | -0.0739*** (-10.50) | wage |
| 0.378*** (174.9) | 0.269*** (34.14) | 0.300*** (51.52) | 0.354*** (104.1) | 0.428*** (175.0) | 0.472*** (192.3) | 0.483*** (153.2) | 0.480*** (116.0) | income |
| 9.35e-05*** (8.954) | 0.000218*** (8.573) | 0.000163*** (8.183) | 0.000151*** (11.10) | 0.000128*** (10.87) | 6.46e-05*** (4.916) | 1.80e-05 (1.064) | -2.52e-05 (-1.172) | age2 |
| 0.0239*** (56.32) | 0.0349*** (30.33) | 0.0328*** (36.77) | 0.0280*** (47.65) | 0.0210*** (43.69) | 0.0159*** (30.98) | 0.0150*** (23.31) | 0.0148*** (18.49) | schooling |
| -0.271*** (-17.51) | -0.346*** (-9.009) | -0.337*** (-10.97) | -0.337*** (-16.20) | -0.271*** (-15.47) | -0.225*** (-11.99) | -0.182*** (-7.783) | -0.138*** (-4.763) | marriage |
| 8.422*** (233.2) | 10.95*** (92.59) | 10.23*** (115.6) | 9.183*** (170.3) | 7.807*** (191.2) | 6.774*** (163.0) | 6.255*** (120.5) | 5.993*** (90.14) | Constant |

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی